

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده : حمید مؤمنی (م . بید سرخی)
بازتایپ و ارسال از: "یوسف فرهادی" هوادار سازمان آزادیبخش مردم افغانستان « ساما »
۲۴ جولای ۲۰۲۰

مختصری از تاریخ جامعه

۱

سر سخن:

تاریخ علم است

نام این کتاب ، در آغاز ممکن است خواننده را به یاد کتاب های درسی تاریخی بیندازد که در دبستان و یا دبیرستان خوانده است . در این صورت خواننده حق دارد بگوید : « آیا این همه تاریخ که در مدرسه خوانده ایم کافی نیست ، آخر چه فایده ای دارد که [آنچه] هیچ ربطی به ما و زندگی ما ندارد به حافظه خود تحمیل کنیم . کتاب های درسی را برای نمره خوانده ایم ، این یکی را که دیگر مجبور نیستیم و در نتیجه کتاب را با دلزدگی به گوشه ای پرت کند . آنچه مسلم است خواننده در این قضاوت شتابزده خود گناهی ندارد . مدرسه و کتابهای درسی آن ، تا کنون هیچ علمی را به اندازه تاریخ بدنام نکرده اند . کتاب های درسی تاریخ از شرح وقایع راست یا دروغی انباشته شده که نه نویسنده توانسته از آنها چیزی بفهمد ، نه دانش آموزان خواهند توانست . به اضافه نام ها و رقم هائی که فقط در گرمای خرداد [جوزا] و شهریور [سنبله] به درد اذیت کردن دانش آموزان و خسته کردن ذهن آنها می خورد . برخی از درس های تاریخ دبستان و دبیرستان فقط عبارت از چندتا نام و چندتا رقم است ، همین . و دانش آموز بیچاره باید آنها را حتماً حفظ کند تا بتواند قبول شود و به کلاس بالاتر رود .

بنابراین برای کسی که آشنائی اش با تاریخ از طریق مدرسه و کتاب های درسی است ، عجیب است اگر بشنود که تاریخ علم است و مهمترین علم از علوم اجتماعی است . چنین کسی حتماً در برخورد با این نظر با خود خواهد گفت : «چگونه قصه باقی و افسانه سرائی در باره شجاعت فلان سر کرده یا تمجید و ستایش از فلان امیر و بدگویی از بی لیاقتی دیگری می تواند علم باشد » . درست است ، این قصه باقی ها و افسانه سرائی ها ، علم نیست و هیچ گونه شباهتی هم با علم نمی تواند داشته باشد و فقط در صورتی که خیلی دقیق و با امانت نقل شده باشند و منبع و مأخذ شان هم روشن باشد تازه مورد استفاده دانشمندان علم تاریخ می تواند قرار گیرند ، ولی به هیچ وجه به درد دانش آموزان دبستانی که حتی معنای علم تاریخ را هم نمی دانند نمی خورند و نخواهند خورد . فقط دانشمندی می تواند از وقایع تاریخی و افسانه هائی که درباره وقایع تاریخی وجود دارد ، چیزی بفهمد که درباره علم تاریخ و قوانین علم تاریخ به

اندازه کافی مطالعه کرده باشد. حتی دانشمندانی هم که مغزشان انباشته از وقایع تاریخی است، سال‌های بسیاری وقایع تاریخی خوانده و حفظ کرده‌اند و موی خود را در این راه سفید کرده‌اند، ولی از قوانین علم تاریخ با خبر نیستند نمی‌توانند از این وقایع تاریخی چیزی بفهمند، چه رسد به دانش آموزی که صرفاً برای نمره و امتحان این وقایع را طوطی وار حفظ می‌کند. پس بی‌جهت نیست که دانش آموزان درس تاریخ را یکی از بی‌فایده‌ترین و غیر قابل قبول‌ترین درس‌های مدرسه می‌دانند. نظر آنها در این مورد کاملاً درست است. اما اگر درس‌های تاریخ در مدارس ما ناخوشایند و غیر قابل قبول است، آیا علم تاریخ هم چنین است؟ هرگز! علم تاریخ، پر ارزش‌ترین علوم است.

علم تاریخ داستان تکامل جامعه است و جامعه عالی‌ترین پدیده طبیعت است و سیر تکاملی جامعه، عالی‌ترین شکل حرکت ماده است. در نتیجه علم تاریخ که سیر تکاملی جامعه و قوانین این تکامل را مطالعه می‌کند، پرارزش‌ترین و پر اهمیت‌ترین علوم است. هر کسی در هر شغلی و هر تخصصی باید کمابیش از علم تاریخ چیزی بداند. البته در تاریخ هم مانند سایر علوم تخصص وجود دارد، ولی کلیات علم تاریخ را (مانند چندی از علوم دیگر) همه باید بیاموزند. این دیگر چیزی است که با تخصص‌های افراد کاری ندارد، چون به همه مربوط است. تاریخ داستان تکامل جامعه است و هر کسی باید سعی کند که بازیگر کور و کر و بی‌اراده نقش‌های این داستان نباشد. همه باید از کلیاتی از علم تاریخ بدانند.

اما راستی درباره کتاب‌های درسی تاریخ در مدارس خودمان چیزهایی گفتیم که ممکن است اشتباهاتی به بار آورد، برای جلوگیری از ایجاد چنین اشتباهاتی چند نکته را تذکر می‌دهیم: یکی این که یادتان باشد که ما از کتابهای درسی تاریخ انتقاد نکرده‌ایم، ما آن‌ها را رد کرده‌ایم، آن‌ها فقط در چند جمله کوتاه و بدین منظور که بگوئیم کتاب ما مثل کتابهای درسی تاریخ نیست، تا بلکه خواننده، آن را نخوانده به گوشه‌ای پرت نکند. فقط همین. نکته دیگر این که، فقط کتابهای درسی تاریخ نیست که علم تاریخ را بدنام کرده‌اند، کتاب‌های بسیار دیگری نیز هست.

روشن‌تر بگوئیم: در میان کتاب‌های فراوانی که در مورد تاریخ به زبان فارسی وجود دارد، فقط تعداد انگشت شماری از آنها «کتاب تاریخ علمی» هستند، بقیه یا به کلی مزخرفند و دقیقاً گمراه‌کننده و یا اسناد و وقایع نام‌های تاریخی هستند که فقط می‌توانند مورد استفاده دانشمندان آگاه علم تاریخ قرار گیرند. مثلاً در مورد قیام‌های مردم ایران در سال‌های پس از حمله اعراب به ایران، کتاب‌های زیادی وجود دارد. اگر کسی که نظام‌های برده‌داری و فئودالی و قوانین تکاملی آنها را نمی‌شناسد، درباره جنبش‌های دهقانی و به‌طور کلی جنبش‌های قبل از سرمایه‌داری چیزی نمی‌داند، در مورد شکل و سازمان و ماهیت اینگونه جنبش‌ها اطلاع علمی درستی ندارند، پدیده مذهب، علت پیدایش و نقش اجتماعی آن را نمی‌فهمد و خلاصه نقش مذهب را در جنبش‌های دهقانی نمی‌داند، برود و این کتاب‌ها را بخواند، ممکن است به اشتباهات منحرف‌کننده بسیاری دچار شود. مثلاً تصور کند، چنان که بسیاری تصور می‌کنند، که جنبش‌های مردم ایران پس از حمله اعراب قیام‌های مذهبی بوده، یا مذهبی که شرکت‌کنندگان این جنبش‌ها پذیرفته‌اند، مذهبی ذاتاً انقلابی (!) و مترقی (!) است، یا این که مثلاً این قیام‌ها دلیل برتری ملی ایرانیان است.

به هر حال چنان که گفتیم، کتاب‌هایی که بتوان آنها را تاریخ علمی نامید، در زبان فارسی، انگشت شمارند، تازه همین کتاب‌های انگشت شمار هم برای همه قابل استفاده نیست. بدین جهت تهیه کتابی مقدماتی در این زمینه لازم بود. کتاب حاضر کوششی است برای آشنا کردن خوانندگان با علم تاریخ و راهنمایی آن‌ها برای خواندن کتاب‌های تاریخ علمی. در این کتاب ما سعی می‌کنیم نظام‌های اجتماعی را به‌طور کلی شرح بدهیم و در پایان هر فصل نیز کتاب‌های مفیدی را که در آن زمینه، در زبان فارسی وجود دارد، به ترتیبی که از نظر آموزشی باید رعایت شود، معرفی کنیم.

آیا تمام جوامع ، همه از مسیر مشخص می گذرند ؟ برخی می گویند که هر جامعه خود تاریخ جداگانه ای دارد که هیچ شباهتی به تاریخ جامعه های دیگر ندارد ، بنابراین کلیاتی علمی درباره همه جوامع نمی توان گفت .

این حرف غلط و ضد علمی است : جامعه پدیده ای است که به علتی مشخص و برای هدفی مشخص به وجود آمده (تولید) و تکامل آن نیز دارای جهتی مشخص است که بر پایه تکامل روش فنی تولید استوار است . چون جامعه از ترکیب انسان و طبیعت به وجود آمده ، بنابراین در همه جا ، کلیات آن یکی است ، تنها ویژگی طبیعت (محیط جغرافیائی) هر جامعه می تواند در خط سیر تکاملی آن جامعه نیز ویژگی هائی ایجاد کند.

به عبارت دیگر ، خط سیر تکاملی تمام جوامع به طور کلی یکی است ، منتها خط سیر تکاملی هر جامعه ای برای خود دارای ویژگی هائی نیز هست که البته این ویژگی ها فرع است . اگر کسی ، هم اکنون که علم تاریخ پیشرفت قابل توجهی کرده ، بخواهد تاریخ یک جامعه را مطالعه کند ، اول باید کلیات را یاد بگیرد ، بعد به مطالعه جزئیات که جزء ویژگی آن جامعه بخصوص است بپردازد . مثلاً کسی که معنای فتودالیزم^۱ را نمی داند ، خیلی خنده آور است اگر برود و مثلاً تاریخ ایران در زمان مغول را بخواند و تازه بخواهد چیزی هم بفهمد.

خلاصه چنان که گفتیم ، کلیات همه جوامع یکی است و فقط در جزئیات است که جوامع با یک دیگر فرق دارند . اما ذکر نکته دیگری در اینجا ضرورت دارد و آن این که ، تمام جوامع از مسیر تکاملی مشخص می گذرند که دارای چند مرحله معین است ، منتها برخی از جوامع یک مرحله را زودتر می گذارند و برخی دیرتر . که این موضوع خود دو علت دارد :

۱ - ویژگی محیط طبیعی هر جامعه

۲ - تأثیر جوامع دیگر (جوامعی که زودتر آن مرحله را از سر گذرانده اند) بر آن جامعه .

البته باید توجه داشت که علت اول خیلی کم اهمیت و علت دوم بسیار اساسی است . اکنون به شرح بیشتر این موضوع می پردازیم : در هر جامعه ای ، ابتداء زندگی اشتراکی به وجود آمده ، بعداً در مرحله ای مشخص این جامعه اشتراکی به جامعه طبقاتی تبدیل شده ، سپس خود این جامعه طبقاتی از مراحل معینی گذشته و الی آخر . این مسیر کلی تکامل جامعه است و تمام جوامع یا از آن گذشته اند یا باید از آن بگذرند ، منتها تأثیر جوامع دیگر بر یک جامعه اغلب سبب می شود که آن جامعه سیر تکاملی خود را تندتر و گاهی هم کندتر طی کند . به عبارت دیگر مراحل را که یک جامعه از سر می گذراند ، لازم نیست که جامعه های دیگر هم دقیقاً آن مراحل را به همان صورت ، باهمان پس روی ها و پیش روی ها ، عیناً از سر بگذرانند . ارتباط های متقابل این جامعه با جامعه های دیگر سبب می شود که تجربیات تاریخی منتقل شود و سرعت سیر تکاملی جوامع دیگر کمابیش سریع تر گردد.

پس چیزی که اساسی ترین و مهم ترین تأثیر را در سرعت سیر تکاملی یک جامعه دارد ، عبارت از تأثیر جوامع دیگر بر آن جامعه است و چیزی که در این مورد تأثیر بسیار کمتری دارد ، تأثیر محیط جغرافیائی خود آن جامعه است . یعنی این دو عامل می توانند سبب تندتر یا کندتر کردن سیر تاریخ یک جامعه به خصوص شوند ، منتها تأثیر اولی بسیار زیادتر و تأثیر دومی بسیار کمتر است . مثلاً برخی از جوامع از مرحله برده داری خیلی به سرعت گذشته اند ، به طوری که تقریباً می توان گفت نظام برده داری بر این جوامع اصلاً حاکم نشده ، چنین ویژگی ناشی از تأثیر جوامع پیشرفته تری بوده که مرحله برده داری را قبلاً از سر گذرانده بوده اند . تأثیر محیط جغرافیائی هرگز نمی تواند سبب شود که یک جامعه ، مرحله ای تاریخی را اینقدر به سرعت از سر بگذراند .

چنانکه گفتیم تاریخ جامعه های مختلف از روزگار نخستین پیدایش خود تا کنون از مراحل معین و مشخص گذشته اند (با سرعت های متفاوت) که اکنون به بررسی این مراحل می پردازیم .

بخش اول کلیات انسان ابتدائی نظام های اجتماعی

فصل اول

انسان ابتدائی

نزدیک یک میلیون سال پیش انسان ابتدائی به وجود آمد . انسان ابتدائی تقریباً مانند حیوانات زندگی می کرد . بدنش لخت و برهنه بود و پناهگاهی هم به جز شکاف کوه ها و زیر تخته سنگ ها نداشت . بدین جهت انسان ابتدائی بیشتر در جای های گرمسیر ، مانند جنوب آسیا زندگی می کرد . انسان ابتدائی از صبح تا غروب به دنبال غذا می گشت و شکم خود را از میوه و برگ درختان و لاشه حیوانات کوچک نیمه سیر می کرد و هنگام شب که تاریک می شد و پیدا کردن غذا مشکل می گشت در گوشه ای لم می داد و می خوابید.

(۱ – راجع به این لغت بعداً شرح خواهیم داد.)

ادامه دارد...